

بررسی تردید حرفه‌ای حسابرس؛

بخش دوم: الگوی ذهنی، محرکها و عوامل محیطی و زمینه‌ای



ترجمه: هادی مشهدی قره‌قیه

J. Brazel, T. Schaefer

مقدمه

در سپتامبر ۲۰۱۵، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان بخشی (IAASB) و یک گروه پژوهشی برای انجام طرح خلاصه‌سازی پژوهشهای دانشگاهی در حوزه تردید حرفه‌ای حسابرس طی سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵، توافق کردند. این کار به‌منظور به‌روزرسانی پژوهشهای صورت‌گرفته به‌وسیله نلسون (Nelson, 2009) و هرت و همکاران (Hurt et al., 2013) انجام شد. این پژوهش، بخشی از طرح هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان بخشی برای نحوه پاسخ مؤثرتر به موضوعهای مرتبط با تردید حرفه‌ای است. پژوهش از سه بخش مشخص تشکیل شده است: خلاصه‌ای فهرست‌وار از پژوهشهای مربوط به تردید حرفه‌ای، ارائه مشاهدات بااهمیت به هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان بخشی در نشست دسامبر ۲۰۱۵، و خلاصه اجرایی طرح. خلاصه کامل و تمامی مستندهای مربوط در صفحه اینترنتی نشست دسامبر ۲۰۱۵ در دسترس است. بخش زیر، بخش دوم از یک مجموعه سه‌بخشی است. درخور ذکر است که قسمت اول و سوم نیز به‌زبان اصلی در مرکز اطلاع‌رسانی اینترنتی فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC) و ترجمه آنها در همین شماره مجله حسابرس در دسترس است.

الگوی ذهنی و محرکها (استقلال ذهنی/بیطرفی)

برخی از مطالعه‌های اخیر به بررسی تغییر الگوی ذهنی حسابرس به‌عنوان یکی از سازوکارهای ممکن برای افزایش تردید حرفه‌ای پرداخته‌اند. باور (Bauer, 2015) به این نتیجه رسید که افزایش برتری هویت حرفه‌ای حسابرسان به‌وسیله وادار کردن آنها به

خرج می دهند (جمع آوری شواهد را کاهش دادند). به همین ترتیب، اولسن و استوارت (Olsen and Stuart, 2015) دریافتند که در محیطهای با ریسک بالا، شخصیت/رفتار صاحبکار هیچ ارتباطی با استفاده از تردید حرفه‌ای ندارد؛ اما در محیطهای با ریسک پایین، صاحبکار خوب و در دسترس باعث افزایش تردید حرفه‌ای در حسابرس می شود.

با توجه به تأثیر محیط درون شرکت، وسترممن و همکاران (Westermann et al., 2015) مصاحبه‌هایی را با همکاری شرکای حسابرسی انجام دادند و متوجه شدند که آنها نسبت به اینکه استفاده از فناوری ممکن است باعث کاهش تردید حرفه‌ای شود، ابراز نگرانی می کنند؛ زیرا کارکنان یاد نمی گیرند که چگونه «ذهن مردم را بخوانند»، به طور انتقادی فکر کنند و مانند گذشته به دنبال پاسخها بگردند.

با توجه به استانداردها/راهکارهای شرکت، کوهن و همکاران (Cohen, 2015) به صورت تجربی تأثیر واژه‌گزینی در دستورعمل را آزمایش کردند. در این مطالعه، دستورعملی در اختیار حسابرسان گذاشته شد که آنها را ملزم می کرد تا شواهدی را برای «پشتیبانی»، «مخالفت» یا «پشتیبانی و مخالفت» با ادعاهای مدیریت درباره اندازه‌گیری ارزش منصفانه به دست آورند. آنها دریافتند حسابرسانی که از آنها هم پشتیبانی و هم مخالفت خواسته شده بود (چارچوب متوازن)، تردید بیشتری داشتند (به این معنی که ارزش منصفانه را پایین تر تخمین زدند).

مشاهده‌های کلیدی

• ویژگیها و اقدامهای مدیریت ممکن است به تردید حرفه‌ای منجر شود؛

• شرکای حسابرسی نگران هستند که شاید محیط فعلی، برخی از کمبودها در صلاحیت و تردید حرفه‌ای کارکنان ایجاد کند؛ و

• چارچوب‌بندی یا واژه‌گزینی کارها، الگوی ذهنی یا رویکردی را که حسابرسان اتخاذ می کنند، تغییر می دهند و منجر به تردید حرفه‌ای بیشتر یا کمتر می شود.



منبع:

Brazel J.F., and T. Schaefer, **Research Insights- Auditor Professional Skepticism Part II: Mindset, Prompts and Environment and Contextual Factors**, www.ifac.org, 2017

تفکر درباره هنجارها و ارزشهای حرفه‌ای، باعث افزایش تردید حرفه‌ای می شود. کادوس و ژو (Kadous and Zhou, 2015) نیز انگیزه‌های ذاتی حسابرسان در کارشان را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که برانگیختن انگیزه ذاتی حسابرسان، تردید حرفه‌ای را افزایش داده، قضاوت درباره کارهای پیچیده حسابرسی را بهبود می بخشد و وابستگی بیش از حد به متخصصان را کاهش می دهد. ولف و همکاران (Wolfe et al., 2015) تفکر شهودی را نسبت به تفکر تحلیلی بررسی کردند و دریافتند حسابرسانی که به طور شهودی فکر می کنند، تردید حرفه‌ای بیشتری دارند. استنباط آنها این است که وقتی حسابرسان در ادراک خود شهودی عمل می کنند، تمایل دارند تردید حرفه‌ای کمتری به خرج دهند. پارلی و همکاران (Parlee et al., 2015)، نقش استعاره در تغییر الگوی ذهنی حسابرسان را در نظر گرفتند. آنها به این نتیجه رسیدند که واداشتن حسابرسان به خواندن داستانی دربرگیرنده استعاره‌ای که بر ترفندهای بالقوه تهیه‌کنندگان اطلاعات تمرکز دارد، باعث می شود که حسابرسان در زمان تکمیل کار حسابرسی، تردید حرفه‌ای بیشتری به خرج دهند.

مشاهده‌های کلیدی

• برخی محرکها ممکن است تردید حرفه‌ای بیشتری در حسابرس ایجاد کنند، و

• اثربخشی محرکها ممکن است در جلسه‌های آموزش حسابرسی با شواهد واقعی صاحبکاران و مستندهای حسابرسی بیشتری بررسی شود.

عوامل محیطی و زمینه‌ای

تحقیقهای اخیر به بررسی تأثیر چند عامل محیطی در بروز تردید حرفه‌ای پرداخته است. بیشتر این مطالعات مربوط به ویژگیهای صاحبکار، محیط شرکت، راهکارها یا استانداردهای فعلی شرکت است. برای مثال، بنت و هاتفیلد (Bennett and Hatfield, 2013) آزمایشی انجام دادند که در آن سطوح مختلف کارکنان حسابرسی با یک بازیگر در نقش مدیریت صاحبکار، ارتباط برقرار می کنند و دریافتند که این کارکنان زمانی که صاحبکار، آنها را تهدید می کند، برای اجتناب از تعامل با مدیریت صاحبکار تردید حرفه‌ای کمتری به